

فردی کردن واکنش کیفری مرحله پیش دادرسی (تعقیب) در حقوق کیفری ایران با نگاهی به موازین قانونی مرتبط در حقوق فرانسه

ابراهیم رضاقلی زاده^۱، حمیدرضا میرزاجانی^۲

^۱ دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد واحد مشهد

^۲ استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد واحد مشهد

چکیده

فردی کردن واکنش کیفری سیاستی است که با لحاظ شخصیت متهم اتخاذ می‌گردد. این مفهوم در مرحله پیش دادرسی در حقوق ایران و فرانسه با راه‌کارهایی همچون تعلیق تعقیب قابل اعمال است. اجرای این سیاست در فرایند تعقیب با چالش‌های اساسی همچون محدودیت‌های ناشی از الزامی بودن تعقیب، عدم توجه به حقوق بزه‌دیده، تخدیش اصل برائت و تساوی مجازات‌ها همراه است. اجرای راه‌کارهای فردی سازی و رفع چالش‌های اجرای آن، ضمن لزوم رعایت شرایط و الزامات قانونی، نیازمند تأمین امکانات مالی لازم، تخصصی سازی فرایند تعقیب و توجه به پرونده شخصیت متهم است. روش انجام این تحقیق کتابخانه‌ای و بنیادی است.

واژه‌های کلیدی: فردی کردن، مرحله پیش دادرسی، تعلیق تعقیب، میانجی‌گری، معامله اتهام.

۱. مقدمه

به منظور واکنش به بسیاری از اقسام و گونه‌های متفاوت بزهکاری در حقوق ایران و فرانسه، طی سال‌های اخیر از روش‌های نوین حتی با ماهیت غیرقهرآمیز استفاده شده است. کوچک سازی قلمرو عدالت کیفری از رهگذر ساز و کارهایی مانند قضا‌دایی و فردی کردن واکنش‌های کیفری از جمله راه کارهای نوینی هستند که تصمیم گیران سیاست جنایی برای اثربخش-تر کردن اقدام‌های نظام عدالت کیفری به آن روی آورده‌اند. در پرتو این دیدگاه، نظام عدالت کیفری لزوماً به استفاده از سازوکارهایی مانند توسعه جرم انگاری‌ها، افزایش میزان کیفر، تعقیب همه گونه‌های بزه کاری تا پایان فرایند کیفری و اجرای کامل مجازات به مرتکبان تکیه نمی‌کند، بلکه با بهره جستن از همه ظرفیت‌های نظام حقوقی، قابلیت‌های نهادهای جامعه، رویکرد دادرسی کیفری را با استفاده از روش‌هایی نظیر معامله اتمام، تعلیق تعقیب، میانجیگری به رسمیت می‌شناسد. از این جهت، مهم‌ترین سؤال‌هایی که در این مقاله پاسخی برای آن ارائه شده از این قرار است که اساساً مفهوم فردی کردن واکنش-های کیفری در مرحله پیش دادرسی چیست؟ چه چالش‌هایی در مقام اعمال این سیاست در مرحله پیش‌دادرسی وجود دارد؟ راهکارهای تقویت‌کننده فردی کردن واکنش‌های کیفری و جلوه‌های آن در مرحله تعقیب در حقوق ایران و فرانسه کدامند؟ از این جهت، ساختار این مقاله ابتدا به تبیین مفهومی فردی کردن واکنش‌های کیفری در مرحله تعقیب پرداخته و بعد از آن، ابتدا چالش‌ها، سپس راهکارهای موجود برای تقویت فردی کردن این واکنش‌ها در نظر گرفته شده و در نهایت، جلوه‌های فردی کردن واکنش‌های کیفری موصوف در حقوق ایران و فرانسه بررسی شده است.

۲. تبیین مفهومی

۲-۱. فردی کردن واکنش‌های کیفری

نظام عدالت کیفری به نمایندگی از جامعه، عهده‌دار اعمال واکنش اجتماعی به پدیده مجرمانه است. در پی تحولات حقوق کیفری، ساز و کارهایی مانند قضا‌دایی، ترمیمی کردن عدالت کیفری و توافقی نمودن دادرسی کیفری (سیاست‌های ارفاقی) از جمله راه‌بردهایی هستند که توجه مقامات و سیاست‌گذاران را برای افزایش بهره‌وری پاسخ به پدیده مجرمانه جلب نموده است. در این شکل از سیاست کیفری، اقدام به کنارگذاشتن بعضی از روش‌های سنتی عدالت کیفری گردیده و با بکارگیری سیاست-هایی همچون فردی کردن واکنش کیفری، سعی در اعمال برخورد با اثرگذاری بهینه با بزهکاری می‌گردد. بر این اساس، منظور از فردی کردن واکنش کیفری، تلاش در جهت شناخت ویژگی‌های متهم و تبیین ساختار پاسخدهی به بزهکاری بر اساس بیشترین انطباق با نیازهای فرد و جامعه است. بدین ترتیب که از رهگذر این انطباق، کاراترین شیوه و عملکرد اتخاذ گردد. از این روی، در این بینش، الزاماً رویکرد نظام عدالت کیفری، افزایش جرم‌انگاری، گستردگی تعقیب در قبال همه جرایم و اعمال مجازات‌های سنگین نیست بلکه سعی بر آن است تا با استفاده از نهادهایی خاص که بر ویژگی‌های فردی متهم تمرکز دارند، چگونگی و ماهیت واکنش به بزهکاری با تحولات مطلوب مواجه شود.

این رویکرد از قاعده مقتضی بودن تعقیب دعوای کیفری سرچشمه می‌گیرد. طبق اصل مقتضی بودن تعقیب، به کیفر رساندن مرتکب جرم صرفاً یکی از سازوکارهای پاسخ دهی به رفتار مجرمانه بوده و پایداری فرایند کیفری به فایده‌مند بودن آن در منافع فردی و همگانی وابسته است. بر این اساس، کنارگذاشتن قاعده آمره بودن مقررات کیفری و الزام در تعقیب، زمینه‌های ایجاد توافق میان مقام قضایی با بزه کاران را در مواردی که دعوای کیفری به مصلحت جامعه نیست، فراهم می‌آورد.^۱ در این چارچوب دادستان اختیار بسیار وسیعی در تصمیم به تعقیب یا عدم تعقیب کیفری دارد؛ به عبارت دیگر دادستان می‌تواند با سنجش موضوع و تشخیص مصالح کلی، هر چند وقوع جرم محرز و مدلل باشد، نظر به جهات خاصی از تعقیب کیفری خودداری کند^۲ حدود اختیار دادستان در استفاده از سیستم موقعیت داشتن تعقیب کیفری در کشورهایی که این قاعده را پذیرفته‌اند متفاوت است. از جمله اینکه در فرانسه اختیار دادستان در این زمینه محدود به مرحله شروع یا ابتدای رسیدگی

^۱. Bouloc, Bernard, Procédure pénale, Paris. 20 é, Dalloz 2009, p. 216.

۱. خزایی، منوچهر. سیستم موقعیت داشتن و قانونی بودن تعقیب کیفری، انتشارات گنج دانش. تهران. ۱۳۷۷، ص ۹

است. با این حال، به محض اینکه نتیجه سنجش دادسرا تصمیم به تعقیب کیفری بود و پرونده وارد مرحله رسیدگی و تحقیقات مقدماتی شد، دادستان تابع قاعده قانونی بودن تعقیب است و حق ندارد با عدول از تصمیم نخستین، تعقیب را به علت موقعیت نداشتن ترک و یا از ادامه آن خودداری کند.^۱

اندیشه فردی کردن واکنش کیفری، مبتنی بر دلایل متعددی است. از جمله توجیهات قابل ذکر در لزوم بکارگیری این سیاست، تورم و تراکم پرونده‌های کیفری، کافی نبودن منابع و وجود هزینه‌های هنگفت تعقیب همه اقسام بزهکاری، لزوم پاسخ دهی سریع به پدیده مجرمانه، رفع اطاله دادرسی و رعایت مهلت معقول، همچنین ضرورت برخورد ویژه با مجرمان خاص (بزه کاران بدون سوء پیشینه و کودکان بزه کار) و جلوگیری از الصاق برچسب مجرمانه به متهمان است.

بدین ترتیب و به طور خلاصه می‌توان گفت؛ فردی کردن یعنی، شناخت شخصیت واقعی مرتکب با توجه به عوامل مختلف تاثیرگذار در ارتکاب جرم، استفاده از نظریه کارشناسان علوم مختلف و تعیین مجازات مناسب با شخصیت مرتکب به نحوی که باعث اصلاح و درمان وی شده و باعث بازگشت او به آغوش جامعه و خانواده گردد. در معنای گسترده‌تر فردی کردن یعنی اصلاح و تربیت مرتکب با استفاده از جایگزین‌های حبس، کیفرزدایی و قضا زدایی به نحوی که جامعه بیمار نیز بتواند همراه با مرتکب اصلاح شده و در مسیر تکامل خود قرار گیرد.^۲

۲-۲. فرایند کیفری؛ مرحله پیش دادرسی

فرایند دادرسی، مفهومی است که هم از بعد حقوقی و هم از بعد کیفری قابل طرح است. در بعد کیفری، در خصوص محدوده این فرایند در آموزه‌های مرتبط اختلاف نظر و عقیده به چشم می‌خورد. در حقیقت، این تعبیر به عقیده برخی، می‌تواند تنها رسیدگی در مرحله دادرسی و صدور حکم را به ذهن آورد (یاوری، ۱۳۸۹، ۲۱۱)، در حالی که دادرسی گاه به معنای عام نیز به کار رفته و تحقیقات مقدماتی را هم شامل می‌گردد؛ مانند تعبیر «آیین دادرسی کیفری» که منظور از آن، آیین و تشریفات رسیدگی کیفری در کلیه‌ی مراحل است، اما معنای خاص دادرسی همان محاکمه در دادگاه است. (خالقی، ۱۳۹۴، ۱۳) به تعبیر دقیق‌تر، آغاز فرایند کیفری را می‌توان زمانی دانست که پیروی وقوع جرم اتهام کیفری به شخصی وارد می‌گردد.^۳ منظور از اتهام، اعلام رسمی مقام صلاحیتدار مبنی بر تحقق یک جرم یا طرح شکایت توسط شاکی و شروع تحقیقات توسط ضابطین و مقامات قضائی است. این محدوده شامل مجموعه رسیدگی‌هایی است که راجع به موضوع صورت می‌پذیرد و در بردارنده کلیه اقدامات قضایی مرتبط با شکایت و اتهام است.^۴ بنا به این تعریف، در نوشتار حاضر نگاه نویسنده، ناظر بر اقداماتی است که از لحظه کشف جرم تا هنگام ختم تحقیقات مقدماتی صورت گرفته و تحت عنوان مرحله تعقیب و پیش‌دادرسی شناخته می‌شود.

۳. چالش‌های فردی‌سازی واکنش کیفری در مرحله پیش‌دادرسی

۳-۱. محدودیت‌های ناشی از الزامی بودن تعقیب

اصل الزامی بودن تعقیب، حاوی این معنی است که پیگرد هر جرمی به محض اطلاع مقام تعقیب، در صورت وجود ادله انتساب، به صورت خودکار به جریان می‌افتد.^۵ «طبق این اصل مقام تعقیب نه حق ترک تعقیب داشته و نه حق اعمال شروط و

^۱ اندرسون، گاستون، ژرژ، لوسور، برنار، بولک، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، ترجمه حسن دادبان، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۷۷، ص ۷۲۴

^۲ محمودی، غلامرضا، فردی کردن مجازات‌ها و آثار آن در جلوگیری از تکرار جرایم، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی اراک، ۱۳۹۲، ص ۲۸.

^۳ - Gouttenoire Adeline et autres, Les grands arrêts de la Cour européenne des Droits de l'Homme, paris, PUF, 6 é, 2003, p.356
2- op.cit, CE, 28 janvier, 2006, SARL Potchon

^۵ C. Barberger, Procédure Pénale, Coll. Repères, Ed. La Découverte 2007.P 304.

تضمینات نسبت به متهم را دارد. براساس اصل الزامی بودن به معنای مضیق، مقام تعقیب صرفاً وظیفه آماده سازی پرونده را برای ارسال به دادگاه دارد.^۱

در این اصل فرض قانونی آن است که تعقیب هر جرمی به مصلحت عموم است^۲ بدین ترتیب، دادستان ملزم است به محض اطلاع از وقوع جرم حسب گزارش ضابطین دادگستری و یا شکایتهای خصوصی، در صورت وجود دلائل بر وقوع و انتساب آن به متهم، تعقیب کیفری را به حرکت درآورد. در نتیجه به جریان انداختن تعقیب و اقامه دعوی عمومی علیه مرتکب جرم از هر درجه‌ای که باشد مطلقاً به میل و اراده دادستان گذارده نشده است. لذا برخلاف دیدگاه مقتضی بودن تعقیب که دادستان عهده‌دار ساماندهی پرونده‌ها جهت طرح در محاکم کیفری است و از اختیارات صلاحیدی برخوردار بوده تا بتواند تصمیم بگیرد از میان انبوه پرونده‌ها کدامیک را به محکمه ارسال و کدامیک را با شیوه‌های برون محکمه‌ای حل و فصل نماید، برطبق اصل الزامی بودن، مقام تعقیب از این اختیار برخوردار نبوده و در هر صورت مکلف به تعقیب کیفری است.^۳ بر این اساس، می‌توان گفت امکان اعمال سیاست‌های فردی‌سازی با وصف حاکم بودن نظام الزامی بودن تعقیب در فرایند دادرسی کیفری به راحتی قابل اعمال نیست. در این میان با توجه به مواد ایران و فرانسه می‌توان قائل به این بود که مبنای نظامهای دادرسی این دو کشور بر الزامی بودن تعقیب استوار است و توجه به اصل فردی کردن صرفاً در چارچوب تجویزات قانونی قابل تحقق است.

۳-۲- عدم توجه کافی به اصل تساوی مجازات‌ها

توجه و به کارگیری اصل فردی کردن واکنش‌های کیفری در مرحله پیش دادرسی به مانند شمشیری دو سو به عمل کرده و هم‌چنان که برخی از نویسندگان فرانسوی نظیر پروفیسور گوئیته اشعار داشته‌اند، در عین اعمال واکنش‌های کیفری با لحاظ شخصیت متهم و توجه به دادرسی منصفانه، این چالش و دغدغه را ایجاد می‌کند که نگاه و رویکرد مقامات تعقیب، تبدیل به دیدگاهی تبعیض‌آمیز شده و از این جهت، چه در اثر تقصیر و چه در اثر برداشت ناصحیح از متن قانون، اصل تساوی مجازات‌ها تحت الشعاع قرار گیرد.^۴ توسل به سیاست‌های ارفاقی، با توجه به اینکه گاه به توقف و تغییر روش‌های سنتی تعقیب دعوای کیفری و کنار گذاری پاسخ‌های سنتی می‌انجامد، از جهت آن که موجبات سلیقه‌ای شدن عدالت کیفری را فراهم آورده و مانع شکل‌گیری سیاست قضایی منسجم و یکسان در نظام عدالت کیفری می‌شود مورد انتقاد است، زیرا مقام قضایی از این رهگذر امکان می‌یابد تا به بهانه‌ی مصلحت‌سنجی و حمایت از منافع جامعه، از سیاست‌های از پیش تعیین شده‌ی عدالت کیفری عدول نماید. در واقع، شیوه‌ی مذکور به جای آنکه در منسجم کردن سیاست جنایی نقش آفرین باشد، به بستری برای اعمال نظر سلیقه‌ای مقام قضایی تبدیل گردد. در این راستا، صدور آرای متهاافت و گاه متعارض، از نمونه‌های تبلور معایب مذکور است.^۵

البته باید توجه داشت که اعمال اصل تساوی مجازات‌ها خود دارای شرایط خاص از جمله ارتکاب جرایم مشابه در شرایط یکسان و نسبت به افرادی با شخصیت همگون است، حال آنکه اساساً پیش‌بینی فردی کردن واکنش‌های کیفری خود در راستای یافتن چاره‌ای در شرایطی است که شرایط اصل تساوی مجازات‌ها قابل بکارگیری نیست.

^۱. www.Europeansourcebook.Org/Chapter_2/2a.

^۲. C. Barberger Op.Cit, P 305.

^۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، الهیات و حقوق، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰، ۱۳۸۲، ص ۳۷

^۴ gautier, jean, procédure pénale, cujas, paris, 2008, p. 119.

^۵ به نقل از: همان منبع، ص ۷۷

۳-۳. تخدیش اصل برائت

یکی از معیارهای مسلم عدالت کیفری رعایت اصل برائت است. بر مبنای این اصل که در مقررات بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها و به ویژه در قوانین اساسی و کیفری آن‌ها پیش‌بینی شده است، هر انسانی بی‌گناه فرض می‌شود و در صورت ورود اتهام به وی، به سبب فرض بی‌گناهی، مدعی باید جرم وی را اثبات نماید.^۱

حال امروزه در حقوق جزا و به ویژه دادرسی کیفری، مقامات تعقیب اعم از دادستان و غیره به عنوان مدعی العموم در مقابل متهم دارای قدرت زیادی هستند که به موجب آن به راحتی امکان استفاده از قوای عمومی و دیگر تضمین‌های ویژه را علیه وی دارا می‌باشند، در مقابل، متهم از هیچ یک از این امکانات بهره‌مند نیست. بدین سان، از آنجا که به کارگیری سیاست‌های ارفاقی که در پرتو بعضی از جلوه‌های فردی کردن واکنش کیفری اعمال می‌شود، غالباً با پذیرش اتهام همراه است، بیم آن وجود دارد که این اصل مهم، به زیر پا گذاشته شود. بدین توضیح که اعمال فردی کردن واکنش‌های کیفری تحت‌الشعاع اختیارات دادستان قرار گرفته و و علی‌رغم بی‌گناهی و عدم ارتکاب جرم، به تشخیص دادستان با اعمال سیاست‌های فردی کردن و اخذ اقرار خلاف واقع به بزهکاری، اصل برائت نادیده گرفته شود.^۲

۳-۴. بی‌توجهی به حقوق بزه دیده

بیان خواسته‌ها و زیان‌هایی که بزه‌دیده به دنبال وقوع جرم متحمل می‌شود، یکی از روش‌های بهبود حال وی و تسکین درد ناشی از جرم است. از این حیث، تعقیب کیفری فرصتی است که بزه‌دیده بتواند بارها و بطور مکرر مآل را شرح دهد و با اظهار پشیمانی بزهکار در فرایند آن، غم‌های او ناشی از جرم ارتکاب یافته تا حدی کاهش یابد. گفتگوهایی که در فرایند تعقیب بین بزهکار و بزه‌دیده انجام می‌شود و انعکاس احساسات بزه دیده، آثار زبان‌بار بزه بر روی فرد و خانواده وی و مشاهده و آگاهی این امور توسط بزهکار نیز، نوعی عذاب وجدان و تنفر از عمل ارتکابی در بزهکار ایجاد کرده و از این جهت می‌تواند نوعی احساس هم‌دردی با بزه دیده را ایجاد نماید تا بدین‌سان، در صدد جبران خسارت‌های مادی و معنوی ناشی از جرم ارتکابی برآید.^۳ بر این اساس، حذف مرحله تعقیب، می‌تواند لطمه روحی به بزه‌دیده وارد نماید و ضمن ایجاد بزه‌دیدگی ثانویه، وی را نسبت به نظام عدالت کیفری بی‌اعتماد سازد. از این جهت، به کارگیری سیاست فردی کردن اگر منجر به حذف مرحله تعقیب گردد، این ضعف را به همراه دارد که ممکن است در جریان توسل به آن، متهم به جای بزه‌دیده انگاشته شود و توجه بیش از اندازه به وی، حقوق بزه دیده را پایمال نماید. این در حالی است که می‌توان گفت توجه به حقوق بزه‌دیده به نوعی، مهم‌ترین دغدغه عدالت کیفری است.^۴

۴. ساز و کارهای لازم جهت اعمال فردی‌سازی واکنش کیفری در مرحله تعقیب

۴-۱. افزایش بودجه و منابع نظام قضایی

توسل به سیاست‌های فردی‌سازی واکنش کیفری، خود می‌تواند موجبات افزایش هزینه‌های موجود نظام قضایی را در بر داشته باشد. در این راستا با عنایت به لزوم توجه به شخصیت متهم در اعمال فردی کردن واکنش‌های کیفری و لزوم بکارگیری نیروهای متخصص که از دانش پزشکی، روانشناسی، جامعه‌شناسی و مددکاری در این زمینه برخوردارند، تخصیص بودجه و در نظر گرفتن منابع مالی لازم، امری مهم و غیرقابل اجتناب است. از سوی دیگر، اعمال نهادهایی همچون تعلیق تعقیب- به ویژه زمانی که این نهاد به صورت مراقبتی اعمال می‌شود، مستلزم پیش‌بینی نهادها و امکاناتی است تا دستورات و تدابیر اتخاذی در راستای عملی شدن سیاست کیفری، به نحوی شایسته قابل اجرا باشد. بر این اساس در جهت توجه به این موضوع، بر خلاف

^۱ Ibid, p. 121.

^۲ نیازیور امیرحسین، توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۹۰، ص ۷۶

^۳ کوشکی غلامرضا، جایگزین‌های تعقیب دعوی عمومی در نظام کیفری ایران و فرانسه، فصلنامه پژوهش حقوق، سال دوازدهم، شماره ۱، ۲۹، ۱۳۸۹، ص ۲۸۶

^۴ جوانمرد بهروز، فرایند دادرسی در حقوق کیفری ایران، انتشارات بهنامی، تهران، ۱۳۸۹، ص ۱۴۳

حقوق ایران که مقررهای تکلیفی جهت پیش‌بینی و افزایش بودجه جهت اعمال نهادهای و سیاست‌های مرتبط با فردی کردن واکنش کیفری دیده نمی‌شود، در نظام حقوقی فرانسه همه‌ساله بودجه نظام قضایی با توجه به امکانات و همچنین ابزارهای جدید پیش‌بینی شده برای فردی سازی افزایش می‌یابد.^۱

۴-۲. تخصصی سازی امر تعقیب

یکی دیگر از راهکارهای قابل ارایه در جهت موفقیت سیاست‌های فردی کردن و دوری از چالش‌های موجود در آن، تخصصی سازی امر تعقیب است. تحقق هر بزه که شخصی را در مظان اتهام آن قرار می‌دهد، مستلزم شناسایی حالات و ابعاد مختلف مؤثر در موضوع است. این امر، با توجه به روند افزایش صنعت و فناوری و به موازات آن ایجاد جرم‌های نوین بیشتر تقویت می‌گردد. به عنوان نمونه، در کشور ایران بر خلاف نظام حقوقی فرانسه، رسیدگی به جرایم نوینی از جمله جرایم آفرینش‌های فکری در مرحله تعقیب و رسیدگی جز در موارد محدود و در کلان شهر تهران، فاقد دادسرا و حتی شعبه تخصصی خود بوده و به دنبال این خلأ جدی، بررسی زوایای تخصصی موضوع در جهت انتساب و احراز ارتکاب جرم به متهم با توجه با ناکارآمدی جدی رو به رو است. از این جهت، زمینه فردی کردن واکنش‌های کیفری اقتضاء دارد تا با لحاظ جرایم مختلف نوین، مرجع تعقیب ویژه آن‌ها نیز نهادینه گردد. لازم به ذکر است که این امر در خصوص جرایم اقتصادی، رایانه‌ای، بهداشتی، مطبوعاتی، صنعتی و ... نیز صادق است.^۲

۴-۳. توجه به پرونده شخصیت

شاید بتوان گفت که اساس توجه به سیاست فردی کردن واکنش‌های کیفری پیش دادرسی، توجه به شخصیت متهم است که تنها از رهگذر پیش‌بینی ساز و کارهای دقیق راجع به این موضوع، میسر می‌گردد. تا پیش از تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، حقوق ایران بر خلاف حقوق فرانسه در بعد امر تعقیب، فاقد ساز و کاری مشخص در جهت شخصیت‌نگری متهم بود. از این جهت، یکی از تأسیسات نوین مقرر در قانون جدید آیین دادرسی کیفری، ماده ۲۰۳ این قانون بوده که بر اساس آن، «در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار یا بالاتر است و همچنین، در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است درحین تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید. این پرونده که به صورت مجزا از پرونده‌های عمل مجرمانه تشکیل می‌شود، حاوی مطالب زیر است: الف- گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم، ب- گزارش پزشکی و روان پزشکی». ترتیب مزبور نسبت به اطفال و نوجوانان متهم نیز در تبصره ذیل ماده ۲۸۷ تأکید شده است. با وجود مقرر داشتن ترتیب جدید مزبور، نحوه تشکیل پرونده مددکاری، وضعیت مددکاران اجتماعی مربوطه، روش استفاده از آنها، هدف از تشکیل پرونده مزبور، ترتیب استفاده از آن و تاثیر این پرونده در پرونده مجرمانه متهم، در این قانون مشخص نشده است.

در نظام کیفری فرانسه پرونده شخصیت و به طور کلی توجه به شخصیت بزهکار، در مقایسه با حقوق کیفری ایران از جایگاه رفیعی برخوردار است. در ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری این کشور، تحقیق درباره شخصیت متهم و وضعیت مادی، خانوادگی و اجتماعی وی پیش‌بینی شده است که این تحقیقات در مرحله پیش‌دادرسی، در امور جنحه‌ای اختیاری و در امور جنایی الزامی است. در حقوق فرانسه، همانند بسیاری از کشورها که تحقیقات مقدماتی را قاضی تحقیق یا بازپرس انجام می‌دهد، دستور تشکیل پرونده شخصیت بر عهده او نهاده شده است تا سرانجام بعد از انجام محاکمه، در صورت مجرم شناختن

^۱ gautier, jean, op.cit, p. 138.

^۲ به موجب ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به تشخیص رییس قوه قضاییه، امکان تشکیل دادرسی تخصصی از جمله جرایم کارکنان دولت، جرایم امنیتی، جرایم مربوط به امور پزشکی و دارویی، رایانه‌ای، اقتصادی و حقوق شهروندی زیر نظر دادرسی شهرستان پیش‌بینی شده است. برای آگاهی بیشتر رجوع شود به: کوشکی غلامرضا، منبع پیشین، ص ۲۸۹

متهم و با استمداد از گزارشهای موجود در پرونده شخصیت، نسبت به تعیین واکنش مناسب، مؤثر و مفید اقدام کند.^۱ علاوه بر این، مطابق برخی مواد قانون مجازات فرانسه و آیین‌نامه آیین دادرسی کیفری این کشور، در راستای احراز شرایط استفاده از نهادهای تخفیف مجازات، تعلیق اجرای مجازات و همچنین اعطای آزادی مشروط و عفو خصوصی، تشکیل پرونده شخصیت ضروری است. در عبارتی کوتاه می‌توان گفت که پرونده شخصیت در نظام کیفری فرانسه در مرحله تحقیقات مقدماتی موضوعیت داشته و در مرحله دادرسی جنبه طریقت دارد.^۲

۵. جلوه‌های فردی کردن واکنش کیفری در مرحله پیش‌دادرسی

۵-۱. معامله اتهام (اقرار بر مجرمیت)

حسب تعریفی که از معامله اتهام یا اقرار بر مجرمیت ارایه شده، روشی است که از رهگذر آن دادستان و متهم در خصوص نوع و میزان اتهام با یکدیگر مذاکره می‌کنند. این شیوه یک فرایند دوجانبه است که در پرتو آن دادستان و مرتکب (البته با حضور وکیل) به یک تصمیم دوجانبه مورد پذیرش دست می‌یابند.^۳

در حقوق ایران، پیش‌بینی معامله اتهام، مورد توجه دست اندرکاران امر قانونگذاری نبوده و صرفاً در ماده ۱۹۵ قانون جدید آیین دادرسی کیفری، مقرر گردیده است که بازپرس، بعد از تفهیم اتهام و ادله آن، می‌بایست به متهم اعلام دارد که اقرار یا همکاری مؤثر وی، می‌تواند موجبات تخفیف مجازات وی را در دادگاه فراهم نماید. در حقوق فرانسه نیز از معامله اتهام با عنوان اقرار بر مجرمیت یاد می‌شود. این تأسیس حقوقی در فرانسه ابتدا به موجب قانون ۹ مارس ۲۰۰۴ پیش‌بینی شد و صرفاً در خصوص برخی جرایم سبک از جمله سرقت ساده قابلیت اجرایی داشت. پس از آن و در پی تصویب قانون ۱۳ دسامبر ۲۰۱۱، دامنه اعمال این شیوه به برخی جرایم راهنمایی و رانندگی نیز از جمله رانندگی بدون بیمه و همچنین رانندگی در حال مستی نیز تسری یافت. با این حال، به اعتقاد دیوان عالی کشور فرانسه، تأسیس حقوقی مذکور در خصوص جرایم علیه اشخاص و جرایم مطبوعاتی در هر حال غیرقابل اجرا است.^۴

۵-۲. بایگانی کردن پرونده

شیوه بایگانی کردن پرونده، یک تصمیم اداری است که در پرتو آن دادستان پس از اتخاذ تصمیم مبنی بر تعقیب نکردن دعوای کیفری، دستور بایگانی نمودن آن را می‌دهد.^۵ پیش از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، شماری از مقررات تقنینی در مورد گونه‌های خاصی از بزهکاری، بایگانی کردن پرونده را در صورت احراز شرایطی پیش‌بینی نموده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به ماده ۲۲ قانون مربوط به تشکیل شرکت پست ۱۳۶۶ اشاره نمود.^۶ علاوه بر این و بر اساس ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲،^۷ با احراز برخی شرایط خاص هم در شخص متهم و هم در شخص بزه‌دیده و با انجام برخی وظایف از سوی مقام تعقیب مصرح در ماده فوق‌الاشعار، به گونه‌ای فراگیر این روش

^۱ Jean Pradel. La dureté des procédures. revue des sciences criminelles. n.19. avril 2001, p. 211.

^۲ Ibid.

^۳ Buisson Jean. et Guinchard, Serge, Procédure pénale, 8ème éd, Litec, Paris, 2012, p. 471

^۴ Cass.crim, 9 avril 2012

^۵ ZAKR, Nasser, La Responsabilité Du Supérieur Hiérarchique Devant Les Tribunaux Pénaux Internationaux, IRPL (Vol. 73), N° 1-2, 2002, p. 119.

^۶ «ناتجه متهم برای اولین بار مرتکب یکی از جرایم مذکور در مواد ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰ شده باشد و دادستان تشخیص دهد با وعظ یا توبیخ یا تهدید یا اخذ تعهد تأدی خواهد شد و خسارات وارده به صاحب کالا را جبران نموده باشد با اعمال یکی از موارد تأدی فوق پرونده را بایگانی مینماید. دادگاه نیز در صورت طرح پرونده در دادگاه حق اعمال مراتب بالا را به تشخیص خود دارد.»

^۷ «در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، چنان چه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد، در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری، دادستان می‌تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی، فقط یک بار از تعقیب متهم خودداری و قرار بایگانی کردن پرونده را صادر کند.»

مورد توجه قرار گرفته است. از این جهت و به شیوه‌ای عام‌الشمول و فراگیر، برای نخستین بار، قانونگذار ایران به اقتباس از کشورهای اروپایی خصوصاً نظام دادرسی کیفری فرانسه، صدور چنین قراری را پیش بینی نموده است تا دادستان در بعضی موارد به دادگاه این اختیار را می‌دهد تا بتواند در برخی از جرایم، بسته به شرایط متهم که برای اولین بار مرتکب جرم شده و همچنین شرایط مربوط به جرم که در درجه پایینی از اهمیت (چه از لحاظ شدت مجازات و از لحاظ میزان ضررهای وارده ناشی از آن جرم و از لحاظ افکار عمومی نسبت به آن جرم) قرار دارد پرونده را بایگانی نمایند.^۱

در فرانسه هنگامی که تعقیب کیفری از نظر قضایی غیرممکن یا بی‌مورد است دادستان می‌تواند پرونده را بایگانی نماید.^۲ در این نظام حقوقی، از تدبیر بایگانی کردن پرونده در دو مورد استفاده می‌شود: نخست، زمانی که پرونده به لحاظ قانونی قابلیت تعقیب نداشته باشد و دوم، هنگامی که دادستان در راستای استفاده از اختیار مقتضی بودن تعقیب با توجه به شرایط و اوضاع و احوال پرونده، آن را بایگانی می‌کند.^۳ بدیهی است، احراز اسباب مذکور با قاضی است. در خصوص بایگانی نمودن پرونده تا سال ۲۰۰۴، دادستان‌های شهرستان الزامی به ذکر علل توجیهی این اقدام نداشتند و تنها در مورد برخی جرایم علیه اطفال مکلف بودند علل توجیهی را ذکر نمایند.^۴ در همین راستا ماده ۲-۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مقرر کرده است: «... وقتی هویت مرتکب جرم احراز شود و دادستان شهرستان تصمیم به بایگانی کردن پرونده می‌گیرد، باید بزه دیده را از تصمیم خود آگاه کند و با دلایل حقوقی بر مبنای تناسب تعقیب این تصمیم را توجیه نماید».

۵-۳. تعلیق تعقیب

یکی دیگر از نوآوری‌های قانون جدید آیین دادرسی کیفری در راستای تحقق اعمال اصل فردی سازی واکنش کیفری در مرحله پیش‌دادرسی، صدور قرار تعلیق تعقیب متهم از سوی مقامات قضایی است. این قرار به استناد نصوص قانونی پیش از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز فاقد منع قانونی بود؛ اما قانونگذار در ماده ۸۱ قانون جدید آیین دادرسی در راستای اصل مقتضی بودن تعقیب و توجه به یکی از جلوه‌های فردی کردن واکنش کیفری در مرحله پیش‌دادرسی، این نهاد را به طور صریح در اختیار دادستان قرار داده تا چنانچه وی عواقب سوء فرایند کیفری و محکومیت متهم نظیر برچسب مجرمیت، آشنایی با محیط زندان و طرق ارتکاب جرم را بیشتر از منافع آن برای جامعه تشخیص دهد. دعوای عمومی را برای مدتی به حالت تعلیق در آورد تا اگر متهم در این مدت، جرمی مرتکب نشد دیگر او را برای آن جرم تعقیب ننماید. البته صدور این قرار شرایطی دارد از جمله اینکه در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت قابل اعمال است همچنین لازم می‌باشد که شاکی گذشت کرده یا شاکی وجود نداشته و یا خسارات وارده توسط متهم جبران شده باشد. ضمن اینکه مقام صادر کننده قرار تعلیق تعقیب، دادستان خواهد بود. برای صدور این قرار اخذ رضایت خود متهم نیز شرط است و نکته آخر اینکه صدور این قرار در مرحله تحقیقات مقدماتی است نه مرحله رسیدگی دادگاه.

در حقوق فرانسه نیز تعلیق تعقیب به تعلیق ساده و آزمایشی تقسیم شده که در فرض آزمایشی بودن، بر خلاف تعلیق ساده، فقط به مجازات مربوط می‌شود و نوع جرم و سابقه قضایی مجرم مورد توجه قرار نمی‌گیرد.^۵

ساقیان، محمد مهدی، پیشگیری از تکرار جرم از گذر جانشین‌های تعقیب کیفری. مجموعه آثار مطالعات پیشگیری از جرم معاونت اجتماعی پیشگیری از جرم قوه ی قضائیه. چاپ دوم، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۹۰، ص ۲۳۴.

^۱ لارگیه، ژان، آیین دادرسی کیفری فرانسه، ترجمه حسن کاشفی اسماعیلی، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۷۸، صص ۱۰۲-۱۰۳.

^۲ همان منبع، ص ۱۰۵.

^۳ سبزواری، زهرا، دادگاهی‌سازی مرحله اجرای حکم، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۹۲، ص ۱۹۴.

^۴ ساقیان، محمد مهدی تفریبات آیین دادرسی کیفری، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد مشهد، ۱۳۹۱، ص ۵۶ و ۵۷.

۵-۴. میانجیگری

میانجیگری کیفری که از جمله شاهکارهای حقوق کیفری نوین محسوب می‌شود، ابزار مهمی در جهت حذف کل یا بخشی از فرایند دادرسی کیفری در زمانی است که مقام قضایی برگرفته از اندیشه‌های مقتضی بودن و فردی نمودن تعقیب، حل و فصل موضوع را خارج از حوزه رسمی (دولتی) قابل انجام می‌داند.

در ایران، وفق ماده ۸۲ قانون جدید آیین دادرسی کیفری «در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه دیده یا مدعی خصوصی و با أخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه ای برای میانجیگری ارجاع دهد. مدت میانجیگری بیش از سه ماه نیست. مهلت‌های مذکور در این ماده در صورت اقتضاء فقط برای یک بار و به میزان مذکور قابل تمدید است».

در حقوق فرانسه نیز به موجب صدور ماده ۴۱-۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه دادستان شهرستان به منظور جبران خسارت وارده به بزه دیده و برای پایان دادن به اختلال ناشی از جرم و نیز به منظور اصلاح مرتکب جرم می‌تواند قبل از شروع به تعقیب به دعوی عمومی تصمیم بگیرد که از میانجیگری استفاده کند؛ بنابراین، ابتکار اتخاذ تصمیم میانجیگری در صلاحیت دادستان است. بدیهی است که دادستان به منظور تحقق اهداف مذکور در ماده ۴۱-۱، تصمیم میانجیگری اتخاذ می‌کند. البته برای انجام میانجی‌گری شرایطی لازم است. نخست به لحاظ قلمروی اجرای میانجیگری باید متذکر شد که با توجه به اهداف صدور ماده ۴۱-۱، امکان صدور دستور میانجی‌گری در مورد تمام جرائم وجود دارد. دوم، رضایت و توافق طرفین دعوا لازم است.^۱ بنابراین در صورت راضی نبودن یکی از طرفین دعوا، میانجیگری ناکام باقی می‌ماند. علاوه بر این، به موجب بند پنجم ماده ۴۱-۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در صورت رضایت طرفین دعوا به میانجیگری میان مرتکب جرم و بزه دیده اقدام می‌شود، در صورت موفقیت میانجی‌گری، دادستان شهرستان یا میانجیگر، صورت جلسه‌ای از آن تهیه می‌کند که توسط خود او و طرفین دعوا امضاء می‌گردد و رونوشتی از آن به آنها داده می‌شود؛ در صورت تعهد مرتکب جرم مبنی بر جبران خسارت وارد به بزه دیده می‌تواند با توجه به صورت جلسه، پرداخت آن را به دنبال رأی دادگاه براساس قواعد آیین دادرسی مدنی، درخواست کند. در هر صورت میانجیگری یک دادرسی «اجتماعی تحت نظر (قواعد) قضایی»^۲ است.^۳

۶. نتیجه‌گیری

در مقابل نظام قانونی بودن تعقیب کیفری، نظام مقتضی بودن تعقیب به جهت فقدان کارامدی مطلق قانونی بودن امر تعقیب در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه متبلور شده که پیامد و اثر مهم آن، توجه به برخی سیاست‌های ارفاقی و توجه به اصل فردی کردن واکنش کیفری از رهگذر مصادیقی چون معامله اتهام، تعلیق تعقیب، میانجی‌گری است. در این میان، هرچند توسل به راهکارهای مذکور خور دربردارنده برخی چالش‌ها نظیر افزایش هزینه رسیدگی، عدم توجه به حقوق بزه‌دیده و اطاله دادرسی است، با این حال می‌توان گفت که مطابق با آموزه‌های حقوق کیفری فرانسه با عنایت به برخی تدابیر از جمله تخصصی‌سازی امر تعقیب، افزایش بودجه و منابع قضایی، یکسویه‌سازی حداقلی قانون و توجه به پرونده شخصیت بزهکار و با بکارگیری اصل فردی کردن واکنش کیفری و عنایت به سیاست‌های ارفاقی مربوطه، ضمن کاهش میزان جرایم، می‌توان به تعدیلی مناسب در رابطه با حقوق بزه‌دیده و بزهکار دست‌یافت.

^۱ Gautier, Jean, Op.cit, p. 316

^۲ Société sous controle judiciaire.

^۳ Ibid, p. 317

مراجع

۱. اندرسون، گاستون، ژرژ، لواسور، برنار، بولک، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، ترجمه حسن دادبان، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۷۷
۲. انصاری، باقر، موضوعیت یا طرفیت داشتن قوانین برای قاضی، نامه مفید، سال دهم، شماره ۴۶، ۱۳۸۳
۳. جوانمرد بهروز، فرایند دادرسی در حقوق کیفری ایران، انتشارات بهنامی، تهران، ۱۳۸۹
۴. خزایی، منوچهر. سیستم موفعیت داشتن و قانونی بودن تعقیب کیفری، انتشارات گنج دانش. تهران. ۱۳۷۷
۵. ساقیان، محمد مهدی تقریرات آیین دادرسی کیفری، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد مشهد، ۱۳۹۱
۶. سبزواری، زهرا، دادگاهی‌سازی مرحله اجرای حکم، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۹۲
۷. عباسی، مصطفی، افق‌های نوین عدالت ترمیمی در میانجی‌گری کیفری، دانشور، تهران، ۱۳۸۲
۸. کوشکی غلامرضا، جایگزین‌های تعقیب دعوای عمومی در نظام کیفری ایران و فرانسه، فصلنامه پژوهش حقوق، سال دوازدهم. شماره ۲۹، ۱۳۸۹
۹. لارگیه، ژان، آیین دادرسی کیفری فرانسه، ترجمه حسن کاشفی اسماعیلی، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۷۸
۱۰. محمدی، علی، مبانی نظری برخورد ارفاقی با مجرمین سیاسی تأملی در طرح جرم سیاسی، مجله رواق اندیشه، شماره ۴، ۱۳۸۰
۱۱. محمودی، غلامرضا، فردی کردن مجازات‌ها و آثار آن در جلوگیری از تکرار جرایم، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی اراک، ۱۳۹۲
۱۲. نجفی ابرنآبادی، علی‌حسین، از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی. الهیات و حقوق. سال سوم. شماره ۹ و ۱۰، ۱۳۸۲
۱۳. نیازپور امیرحسین، توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، انتشارات میزان. تهران، ۱۳۹۰
14. Bouloc, Bernard, Procédure pénale, Paris. 20 é, Dalloz 2009
15. Buisson Jean. et Guinchard, Serge, Procédure pénale, 8ème éd, Litec, Paris, 2012
16. C. Barberger, Procédure Pénale, Coll. Repères, Ed. La Découverte 2007
17. gautier, jean, procédure pénale, cujas, paris,
18. Jean .Pradel .La dureé des procédures .revue des sciences criminelles .n.19 .avril 2001
19. www.Europeansourcebook.Org/Chapter_2/2a.

Individualization of the Criminal Reaction of the Pre-trial (Prosecution) Stage in Iran's Criminal Law in Comparison with the Corresponding Legal Principles in French Law

Ebrahim Rezagholizadeh¹, Hamid Reza Mirzajani²

1. *Ph.D. candidate of criminal law and criminology, Islamic Azad University, Mashhad Branch*

2. *Assistant professor and faculty member of Islamic Azad University, Mashhad Branch*

Abstract

Individualization of criminal reaction is a policy adopted with regard to the defendant's personality. This concept can be applied at the pre-trial stage in the legal systems of Iran and France with such measures as suspension of prosecution. The execution of this policy in the prosecution process is accompanied by fundamental challenges such as the constraints resulting from the compulsoriness of prosecution, failure to consider the victim's rights, the violation of the Presumption of Innocence and the equalization of punishments. The use of individualization strategies and removal of the challenges for its execution, while requiring to be done in accordance with the law, involve the provision of financial resources, specialization of the prosecution process, and consideration of the defendant's personality records. A library and basic research method has been used in this study.

Keywords: individualization, pre-trial stage, suspension of prosecution, mediation, plea bargaining
